



Decorative and Practical Objects in the Period of Fath Ali Shah Qajar (1772-1834 AD)

Elaheh Panjehbashi¹ 

1. Associate Professor, Department of Painting, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran (e.panjehbashi@alzahra.ac.ir)

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 13 April 2024
Received in revised form:
12 September 2024
Accepted: 13 September
2024
Published online: 17
February 2025

Keywords:
*Qajar,
painting,
court iconography,
enamelwork,
decorative,
practical.*

ABSTRACT

During the reign of Fath-Ali Shah Qajar, court portrait painting influenced various art forms, including enamelwork. This study examines enamel art of that period, focusing on how it reflects the conventions of court portraiture to convey royal grandeur. Enamelwork of this era can be broadly categorized as decorative or functional. Using extant examples, this research investigates the degree to which enamel artists adhered to these established portrait traditions. The surviving pieces demonstrate a clear fidelity to these conventions, contributing to the objects' magnificence, a quality intentionally sought by patrons. Stylistic variations are also considered. This study aims to investigate the influence of Fath-Ali Shah's court portraiture on both decorative and functional enamel objects, a topic that has not yet been thoroughly explored. The central research question is: How is the influence of Qajar-era court portrait painting evident in enamel objects of the time? This fundamental research employs a descriptive-analytical methodology, relying on library resources and qualitative data analysis. It explores a relatively understudied aspect of enamelwork within the context of portraiture from this period. The findings reveal that the visual characteristics of court portraiture are consistently present in both decorative and functional enamel pieces, often in miniature form, mirroring other contemporary accessories. This consistency underscores the pervasive influence of Fath-Ali Shah Qajar's court portrait painting on the art of the era..

Cite this article: Panjehbashi, E. (2024). Decorative and Practical Objects in the Period of Fath Ali Shah Qajar (1772-1834 AD). *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*, 57 (1), 58-84.
DOI: 10.22059/jhic.2024.374932.654475



© The Author(s).
DOI: 10.22059/jhic.2024.374932.654475

Publisher: University of Tehran Press.

ساختارشناسی هنر میناکاری با اثرپذیری از هنر نقاشی پیکرنگاری در اشیاء تزئینی و کاربردی دوره فتحعلی شاه قاجار

الهه پنجه باشی ✉

e.panjehbashi@alzahra.ac.ir

۱. دانشیار، گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه:

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در گونه‌شناسی هنر نقاشی پیکرنگاری درباری دوره فتحعلی شاه قاجار، یکی از هنرهای وابسته به نقاشی هنر میناکاری با تاکید بر بازنمایی پیکرنگاری برای نمایش شکوه شاهانه با محوریت پیکرنگاری درباری در دو بخش تزئینی و کاربردی دیده می‌شود. پژوهش حاضر با تکیه بر نمونه‌های هنر پیکرنگاری درباری در مجموعه‌های جهانی می‌کوشد، میزان پایبندی هنرمند به نقاشی پیکرنگاری درباری در اشیاء این دوره را بررسی نماید. هدف از این پژوهش، مطالعه هنر میناکاری با اثرپذیری از هنر نقاشی پیکرنگاری درباری دوره فتحعلی شاه در اشیاء تزئینی و کاربردی است که تاکنون مورد بررسی مستقل واقع نشده است. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که اثرپذیری هنر میناکاری از نقاشی پیکرنگاری درباری دوره قاجار در اشیاء میناکاری این دوره چگونه دیده می‌شود؟ روش پژوهش حاضر از منظر هدف، بنیادین است و از جنبه‌های اثرپذیری هنر میناکاری از نقاشی پیکرنگاری این دوره در آثار هنری را می‌کاود. گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای (اسنادی) و روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و شیوه تحلیل داده‌ها، کیفی است. نتیجه پژوهش حاضر، نشان داده است که در کنار واکاوی تداوم ویژگی‌های نقاشی پیکرنگاری این دوره، ویژگی‌های بصری نقاشی پیکرنگاری درباری در دو بخش تزئینی و کاربردی با تکیه بر لوازم به‌جای مانده از این دوره هم‌خوانی داشته و در ابعاد و اندازه‌های کوچک قابل مشاهده است و پیوستگی هنر پیکرنگاری درباری دوره فتحعلی شاه قاجار با سایر هنرها را نشان می‌دهد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹	
کلید واژه‌ها: پیکرنگاری درباری، تزئینی، قاجار، کاربردی، میناکاری، نقاشی	

استناد: پنجه باشی، الهه (۱۴۰۳). ساختارشناسی هنر میناکاری با اثرپذیری از هنر نقاشی پیکرنگاری در اشیاء تزئینی و کاربردی دوره فتحعلی شاه قاجار. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۷ (۱)، ۵۸-۸۴. DOI: 10.22059/jhic.2024.374932.654475



نویسندگان: ©
DOI: 10.22059/jhic.2024.374932.654475

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

آغاز هنر میناکاری در ایران را می‌توان با توجه به نمونه‌هایی که از دوره‌های هخامنشی، سلجوقی و صفوی و قاجار به‌دست آمده است، به‌قدمت قبل از اسلام در ایران و از ابتدایی‌ترین نمونه‌ها در جهان دانست. میناکاری دارای انواع متنوعی از لحاظ ساخت بوده و انواع متنوع آن در دوره صفوی آغاز و تا دوره قاجار ادامه می‌یابد. این هنر، روی زمینه‌های فلزی مس، طلا و نقره انجام می‌شود و در کوره، لعاب می‌بند تا روی فلز تثبیت گردد. با آغاز سلطنت قاجار، هنر نقاشی ایران در این دوره، وارد فصل نوینی شد. فتحعلی‌شاه قاجار در مقام حامی مهم هنر در این دوره، موقعیت تازه‌ای برای هنرمندان و نقاشان پدید آورد تا در زمینه‌های مختلف به خلق اثر هنری بپردازند. ضرورت و اهمیت تحقیق حاضر در این امر است که هنر میناکاری دوره فتحعلی‌شاه قاجار به‌لحاظ بررسی‌های فرهنگی و هنری شایان اهمیت بوده و این آثار از حیث کاربردی و تزئینی قابل بررسی بوده و در هر دو مورد تاثیرات هنر نقاشی پیکرنگاری درباری در آن قابل مشاهده است و بیانگر ویژگی‌های فرهنگی هنری دوره ابتدایی قاجار بوده و از این منظر حایز اهمیت است. این موضوع، با وجود اهمیت تاریخی-هنری تاکنون مورد بررسی مستقل قرار نگرفته و ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

این پژوهش با تمرکز بر چگونگی اثرپذیری هنر میناکاری از هنر نقاشی پیکرنگاری درباری ماهیتی کیفی دارد. نخست با نگاه توصیفی، نقاشی پیکرنگاری درباری دوره فتحعلی‌شاه قاجار بررسی، سپس هنر میناکاری و انواع آن تزئینی و کاربردی با توجه به نمونه‌ها بررسی می‌شود. روش پژوهش به‌شیوه توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات، اسنادی (کتابخانه‌ای) است. پژوهش حاضر، برجسته‌های کاربردی و تزئینی نمونه‌های میناکاری با اثرپذیری از هنر نقاشی پیکرنگاری درباری و معرفی نمونه‌های کمتر دیده شده از دوره ابتدایی قاجار به‌عنوان دوره درخشان هنر میناکاری شکل گرفته است.

پیشینه پژوهش

بسیاری از پژوهشگران به هنر نقاشی پیکرنگاری درباری فتحعلی‌شاه قاجار پرداخته‌اند. بیشتر پژوهش‌ها به توصیف ظاهری تصاویر نقاشی متمرکز بوده و این موضوع به‌لحاظ هنری و براساس ارتباط با سایر

هنرهای وابسته، به‌ویژه میناکاری مورد توجه نبوده است. همین موضوع، ضرورت پژوهش حاضر و جنبه نوآوری آن را نشان می‌دهد. در ادامه به معرفی پژوهش‌های نام‌برده در این حوزه می‌پردازیم.

ادبیات پژوهش مرتبط با موضوع میناکاری: سهیلی اصفهانی، صابر(1401) در مقاله خویش با عنوان «گسست صنایع دستی ایران از هنرهای زیبا در نسبت گفتمان قاجار با تاکید بر دوگانه هنرهای زیبا / هنرهای کاربردی»، بر هنرهای دستی و هنر میناکاری دوره قاجار اشاره داشته‌اند. همچنین رحیمی(1396) در مقاله‌ای با عنوان «میناکاری و نگرشی بر تکنیک‌های اجرای آن در ایران عصر قاجار»، به هنر میناکاری و انواع ساخت آن در دوره قاجار پرداخته و بیشتر بر روش‌های ساخت تأکید داشته و به توصیف میناکاری در این دوره پرداخته است.

ادبیات پژوهش مرتبط با نقاشی پیکرنگاری درباری: پنجه‌باشی(1402) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تحولات تمثال‌های نقاشی شده مینایی با تصویر پادشاهان و شاهزادگان در دوره قاجار» به هنر پیکرنگاری در نقاشی و برخی آثار مینایی اشاره داشته است. اثنی عشری و آشوری(1396) در مقاله‌ای با عنوان «بهره‌گیری فتحعلی‌شاه از زبان تصویر در قدرت نمایی» به مقوله قدرت تصویر دوره قاجار پرداخته است. همچنین دیبا(1378) در مقاله «تصویر قدرت و قدرت تصویر: نیت و نتیجه در نخستین نقاشی‌های عصر قاجار(1785-1834م)» به قدرت تصویر در پیکرنگاری قاجار پرداخته است.

از این‌رو، مقاله حاضر با بهره‌مندی از دستاوردهای پژوهش‌های یاد شده با هر دو گروه تحقیق مرتبط است و در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که مقالات و کتب در زمینه مطالعات هنری مرتبط با موضوع پژوهشی کافی میناکاری و ربط آن به هنر نقاشی درباری و ویژگی‌های آن کافی نبوده و در زمینه بازتاب هنری آن پژوهش‌های انجام شده محدود بوده است؛ بنابراین در این مقاله، سعی می‌شود با بهره‌گیری از منابع مرتبط به این امر توجه شود.

نقاشی پیکرنگاری درباری دوره فتحعلی‌شاه قاجار

نقاشی پیکرنگاری درباری دوره قاجار، نخستین جریان هنری دوره قاجار بوده است که در دوره دومین پادشاه این دوره، یعنی فتحعلی‌شاه صورت پذیرفته است. مضامین رایج در این سبک نقاشی، چهره‌های شاه، شاهزادگان و درباریان، نوازندگان و رقصندگان است(حاتم، 1387: 35). فتحعلی‌شاه از رسانه تصویر که بدون محدودیت‌های زبان نوشتار است، برای انتقال مفاهیم سیاسی خود استفاده کرد. براین اساس، بیشتر آثار هنری برجای مانده از دوره وی، افزون بر اعتبار تاریخی، دارای کنشی کاربردی به دلیل ماهیت تبلیغاتی بودند(اثنی عشری، آشوری، 1396: 57). دوره قاجار، هنر به‌عنوان رسانه‌ای برای بیان مشروعیت و سلطنت به کار می‌رفت؛ در این راستا، دوره قاجار تحولی از نظر رنگ، موضوع و ابعاد و قوانین پیکرنگاری در هنر رخ داد(پنجه‌باشی، 1402: 168). هر تصویر فتحعلی‌شاه به هر شکل و اندازه

و اسلوب که تولید می شد، شاه را تکثیر می کرد و نشانی از حضور بود(میرزایی مهر، ۱۳۹۶: ۱۰۹). دوره قاجار، آغاز تحولات فرهنگی و هنری است(جلالی جعفری، ۱۳۸۲: ۲۶). شاهان قاجار، بیش از سران سلسله‌های گذشته می‌کوشیدند تا در داخل و خارج از ایران قدرت و اهمیت خود را با هنر به رخ بکشند و به‌گونه‌ای بر آن مهر مشروعیت بزنند(ابراهیمی ناغانی، ۱۳۸۶: ۸۲). با توجه به آرامش نسبی، دوری از جنگ‌ها، گسترش روابط با غرب، حضور اروپاییان در ایران و ... از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و گسترش نقاشی پیکرنگاری درباری است(مسکوب، ۱۳۷۸: ۴۰۵-۴۰۷). در آغاز پادشاهی فتحعلی‌شاه، جریان تازه نقاشی رنگ روغنی در ایران که بر پایه تحولات پیشین شکل گرفته بود از عوامل تأثیرگذار بر نقاشی این دوره بوده است(فلور، ۱۳۹۵: ۱۷۳). او در این دوره، با تشکیل «انجمن خاقان» به‌هدف «بازخوانی و بازشناسی پیشینه تاریخی ادب و فرهنگ ایرانی» نقش پررنگی در رشد و حمایت هنرهای این دوره دارد(علیمحمدی اردکانی، ۱۳۹۱: ۷-۸). او هنرمندان برجسته دوره زند را به کارگاه سلطنتی خویش آورد و مورد حمایت قرارداد و به این دلیل در بار او را در بار احیای هنر نامیده‌اند(آژند، ۱۳۸۹: ۸۰۳). فتحعلی‌شاه قاجار، طی سال‌های سلطنتش کوشش کرد تا یادمان‌های ایران پیش از اسلام را از نو زنده کند «آنچنان که شاه و اشراف اذعان داشتند؛ تلاششان در احیای شکوه و عظمت دوره‌های هخامنشی و ساسانی بود»(آدامووا، ۱۳۸۶: ۸). وی با تقلید از سنت‌های ایران در پیش از اسلام، منتسب کردن خود و خاندانش به سلسله کیانیان، استفاده از القاب باستانی و تجلیل از جشن‌های ایرانی، سعی می‌کرد تا به حکومت خویش اعتبار و مشروعیت ببخشد(وررنویت، ۱۳۸۳: ۹۷). در این دوره، عظمت باستانی ایران بار دیگر به نقاشی راه یافت. این دسته از آثار با اثرپذیری از صورت‌گفتمانی تاریخ شکل گرفتند تا جایی که تصاویر تمام قد شاه نماد جلال پادشاهی و فرهنگ تاریخ محور بود(دبیا، ۱۳۷۸: ۴۴۶). ایتنگهاوزن درباره نقاشی این دوره، معتقد است: «سبک نقاشی قاجار ظاهری دو رگه و ساختگی دارد و اختلاطی است نامطمئن از شگردهای برجسته‌نمایی و ژرف‌نمایی اروپایی با برداشت ترکیب‌بندی و شیوه روایی ایرانی»(ایتنگهاوزن و یار شاطر، ۱۳۷۹: ۳۴۱). ویژگی‌های هنری پیکرنگاری درباری را می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که در ساختار کلی تصاویر، ویژگی‌های پیکرنگاری تزینی بوده و خصوصیات صحنه‌آرایی و طبیعت‌پردازی در پشت پیکره اصلی تصویر دیده می‌شود. در ساختار کلی تصاویر نقاشی این دوره در دربار، ساختار متقارن، تلفیق نقش‌مایه‌های تزینی و تصویری، رنگ‌گزینی محدود و استفاده از رنگ‌های گرم با پرده‌های قرمز که نیمی از آن بالا رفته است قابل مشاهده است(پاکباز، ۱۳۸۷: ۱۴۷). پیکرنگاری‌های دربار، بیشتر با چهره‌هایی آرمانی ترسیم شده‌اند و در چارچوب آداب و آیین‌های درباری، حرکت و سکونشان به‌قاعده است(مسکوب، ۱۳۷۸: ۴۱۰). همه افراد در نقاشی‌های پیکرنگاری درباری دوره ابتدایی قاجار در هر سن قامت رعنا و چهره باطراوتی داشته‌اند. تمام صحنه‌های نقاشی درباری حالتی رسمی داشته و در بیشتر موارد، تک پیکره اصلی در جلوی طاقچه یا ارسی تصویر شده است(پاکباز، ۱۳۸۷: ۱۴۷). چشم‌انداز یا طبیعت همراه با معماری در پشت نقاشی اصلی، غالباً به شیوه فرنگی‌سازی نقاشی شده است(پاکباز، ۱۳۸۷: ۱۴۸). شاه و شاهزادگان دربار قاجار

همراه در نقاشی‌ها در حالات مختلف و همواره در حال جنگاوری و شکار نمایش داده می‌شدند (فلور، 1395: 27). قاجاریان با نمایش این مضامین، سعی داشتند تا به جهانیان اعلام کنند که آن‌ها سلطنت ایران را پس از چهل سال جنگ خونین به‌دست آورده‌اند (فلور، 1381: 30). شکست فتحعلی‌شاه در جنگ با روسیه، باعث شد تا فتحعلی‌شاه در پی احیای قدرت از دست رفته خویش در پی شکست، تمایل شدیدی به نمایش پیکره مقتدرانه خویش در البسه و سلاح فاخر و شکوهمند داشته باشد (سودآور، 1380: 388). با توجه به این دیدگاه، جولین رابی معتقد است: «شاه از تمام امکانات تصویرپردازی کلامی و تجسمی به‌منظور نمایش احیای قدرت و شوکت شاهانه بهره گرفته و در این میان پرده‌های نقاشی و هنرهای وابسته نقشی اساسی ایفا می‌کردند» (خلیلی، 1383: 43). مهم‌ترین گفتمان درباری هنر دوره قاجار به‌سبب اثرگذاری در قراردادن صنایع دستی در وجه دوم در دوگانه هنرهای زیبا/ هنرهای کاربردی و بر ساخته شدن آنچه امروز به‌عنوان صنایع دستی از آن یاد می‌گردد، سهم به‌سزایی داشته است. در این دوره، طی رویارویی ایران با غرب، صنایع غرب که با تمرکز و ستایش هنرهای زیبا بود و سوژه‌های گفتمان سلطنتی که شامل شاه و افراد بانفوذ دربار بود تصمیماتی در عرصه فرهنگی، صنعتی و اقتصادی در جهت حرکت به سوی غرب گرفتند که به‌طور مستقیم با صنایع دستی مرتبط می‌شود و در پیوستگی با سایر هنرها است (سپهیلی اصفهانی، صابر، 1401: 136). توجه به موارد ذکر شده، مشخص می‌شود که قدرت تصویر دوره ابتدایی قاجار از طرف فتحعلی‌شاه برای نمایش شاهی قدرتمند و با عظمت و شکوه شاهانه در صحنه‌های متعدد بوده است.



تصویر 1. هنرمند: منسوب به مهرعلی، فتحعلی‌شاه قاجار نشسته روی صندلی، سال: حدود زمانی 1800-1806 م.، تکنیک رنگ و روغن روی بوم، ابعاد: $131 \times 5/227$ سانتی متر، محل نگهداری موزه لوور، بخش اسلامی (Diba & Ekhtiar, 1998: 182).



تصویر 2. سال: 1229 ه.ق/ 1813-1814 م.، فتحعلی شاه رنگ و روغن روی بوم، ابعاد: 118 × 253 سانتی متر، محل نگهداری موزه ارمنیاناژ. (Diba & Ekhtiar, 1998:182).



تصویر 3. هنرمند: نامشخص، سال: حدود زمانی قرن 19 م.، عنوان: زن رقصنده با فاشقک موسیقی، تکنیک: رنگ و روغن روی بوم، ابعاد: 90 × 158 سانتی متر، محل نگهداری، موزه ارمنیاناژ سن پیتربورگ، شماره اموالی: VR-III.O.

(Diba & Ekhtiar, 1998:263)

هنر میناکاری دوره ابتدایی قاجار

تعریف هنر میناکاری

علامه دهخدا، درباره هنر میناکاری چنین نوشته است: «... مینا ماده‌ای شیشه‌ای و دارای الوان مختلف است که جهت رنگ کردن فلزات و ظروف سفالین و چینی به کار می‌رود. ماده اولیه و اصلی مینا، سیلیس است که با کربنات دوپتاسن مخلوط می‌شود و برای زودتر ذوب شدن یک ماده کمک به ذوب به آن

اضافه می‌کنند. این ماده، معمولاً به صورت ورق است و برای رنگ کردن آن مواد رنگین به آن می‌افزایند...» (دهخدا، 1377: 22010). هنر میناکاری را می‌توان یکی از اختراعات خلاقانه بشر دانست؛ این هنر شامل فعل و انفعالات شیمیایی پیچیده‌ای بوده و می‌توان آن را یک هنر آزمایشگاهی تلقی کرد (فیض الهی، 1388: 14). میناکاری که از نقاشی و تزیین فلزات، مانند مس، نقره، طلا با لعاب‌های رنگین تشکیل شده، در زمره هنرهایی است که ذوق و دقت فراوان هنرمند را می‌طلبد. دوره قاجار، این هنر همچون سایر هنرها دچار تحولات جدیدی شد و در زمان فتحعلی شاه به پیشرفت بسیار بالایی دست یافت (فیض الهی، فنایی، 1389: 57). هنر میناکاری به روش‌های میناکاری مشبک، مینای نقاشی شده، مینای حکاکی، مینای خانه‌بندی اجرا می‌شود. مینای متداول امروزی، نوعی نقاشی با رنگ‌های متنوع مینایی است. میناکاری روی سطح فلزی طلا و نقره صائبین (مندائیان) اهواز، شهرت بین‌المللی دارد و استاد «فرحان چحیلی» جزو هنرمندان برجسته این هنر در دنیای معاصر است (یاوری، 1392: 336).

شیوه ساخت و مواد هنر میناکاری

اشیا فلزی برای زمینه هنر میناکاری بسیار متنوع بوده و روش کار کردن بر هر کدام نیز، انواع مختلفی دارد. این اشیا را می‌شود ریخت یا چکش کاری کرد، برید یا سوراخ نمود (وولف، 1372: 17). روش کار در این هنر، بدین گونه است که ابتدا زیر ساخت مورد نظر را که معمولاً از مس یا نقره تهیه شده است، لعاب سفید زده و در کوره می‌گذارند تا پخته شود، سپس روی آن را منقوش کرده و دوباره برای تثبیت در کوره می‌برند که در این زمان، اثر «مینا» نام می‌گیرد. مواد اولیه هنر میناکاری بسیار ساده بوده و ترکیبی است از: لاجورد، طلا، فلاکس، آلومینا، سیلیکات، سودا، پتاس، اسید بوریک (بوراکس) و مقداری اکسید سرب. رنگ آن از اکسیدهای فلزی تشکیل شده است. مینا در لاتین معادل کلمه ¹ Enamel است. این اصطلاح در زبان انگلیسی به دو معنای متفاوت به کار می‌رود. مینا، در آمریکا به معنای لعاب زجاجی بوده که برای پوشاندن خلل و فرج سطح فلزات استفاده می‌شده و در فارسی به لعاب فلزی روی ظروف مشهور است. میناکاری در انگلستان به معنای لعاب کاری تزیینی روی بدنه ظروف است که گاه به عنوان اصطلاحی تزیینی یا در هنرهای دکوراتیو نیز به کار می‌رود. مینای شیشه‌ای برای تزیین اشیا شیشه‌ای، لعاب مینایی برای پوشش صفحات آهنی، مینای چینی برای تزیینات سفال، سرامیک و چینی شناخته می‌شود. لعاب مینایی به دو صورت شفاف و مات وجود دارد که در ایران، شفاف آن را اصطلاحاً مینای روحی و مات آن را مینای جسمی می‌نامند. مینا بر اساس نقطه ذوب، نوع استفاده و مواد تشکیل‌دهنده طبقه‌بندی می‌شود (اسلامی، رهنمون، 1391: 22-23). فن پرداخت فلزات در هنر میناکاری و کاربرد مینا در صنایع دستی

از سیصدسال پیش همچنان برجای مانده است؛ روی مس یا برنج (بیشتر به رنگ آبی تیره یا لاجوردی) با طلا و تزیینات نقره کاری همراه شده است (کازاما، 1380: 199).

نقاشی با رنگ‌های مینایی به دو شیوه صورت می‌پذیرد: نخست، رنگ‌ها را به صورت گرد نرمی درآورده و با آب و کمی گلیسیرین مخلوط کرده، سپس روی صفحه شیشه‌ای با کاردک‌های مخصوص حل می‌کنند، آنگاه مانند نقاشی معمولی آبرنگی نقش دلخواه را روی آن تصویر می‌کنند. شیوه دیگر، به این صورت است که رنگ‌های مینایی را با آب و گلیسیرین و عصاره جوهرکاج یا اسطوخودوس ترکیب کرده و مانند نقاشی رنگ و روغن لایه لایه روی هم می‌کشند (فقیهی، 1362: 263). در هنر میناکاری لعاب و رنگ‌ها از مواد معدنی طبیعی گرفته شده و این هنر را می‌توان ترکیبی موزون از هنر فلزکاری و نگارگری ایرانی در استفاده از نقوش دانست. پیدایش این هنر و دوره آن به طور دقیق مشخص نیست، لیکن نمونه‌هایی قبل از اسلام مربوط به دوره هخامنشی و پس از اسلام از دوره سلجوقی به دست آمده است. شکوفایی این هنر در دوره صفوی صورت پذیرفته و تا دوره قاجار ادامه داشته است (سیداخلقی، 1388: 140). اصول هنر میناکاری شامل فعل و انفعالات پیچیده است، بر پایه تزیینات فلزی بر پایه تزیین، به ویژه فلزهای قیمتی، نظیر طلا، نقره و مس با رنگ‌های مینایی قرار دارد. این رنگ‌های مینایی عبارت است از: اکسیدهای فلزی که با مواد شیشه‌ای مخلوط می‌شود و پس از قراردادن روی فلز در کوره پخته می‌شود (یاوری، 1382: 36). هنر میناکاری از نظر تکنیک به سه دسته تقسیم می‌شود: مینای زمینی، برجسته، مینای خانه‌بندی و مینای نقاشی که امروزه آثار میناکاری موجود بیشتر با تکنیک مینای نقاشی کار می‌شوند (صنیع‌زاده، 1387: 4). در شیوه ساخت این آثار در میناکاری اهواز، میناکاری بر سطوح حکاکی شده بعد از پرداخت انجام می‌گیرد؛ به گونه‌ای که لعاب مینا که اکسید فلزی و به رنگ‌های مختلف است که روی قطعه مورد نظر قرار گرفته، سپس زیر و روی سطح مزبور را حرارت می‌دهند تا زمانی که لعاب ذوب و در قسمت حک شده جای گیرد، از طریق سنگ‌سابان یا سوهان و کاغذ سنباده سطح را ساییده و صیقلی می‌کنند و با شست‌وشو در محلولی خاص، آخرین مرحله پرداخت انجام می‌گیرد (میثاقی و مرادوند، 1381: 124). مینای خانه‌بندی یا مینای خانه خانه یا مینای حجره حجره یا مینای حجره‌ای، نوعی از هنر میناکاری بوده که در آن نقوش اصلی با سیم‌های نازک فلزی روی سطح فلزی اصلی پدید آمده است و پس از آنکه سیم‌ها با رنگ مینایی و با لحیم کاری ثابت شد، بخش‌های به وجود آمده با رنگ‌های گوناگون مینا پر شده و پس از اتمام داخل کوره مخصوص قرار می‌گیرد و برای احتراز از سیاه شدن سیم‌های فلزی پیش از حرارت دادن مینا روی آن را با مینای بی‌رنگ شیشه‌ای می‌پوشانند، سپس درون کوره قرار می‌دهند. میناهای قدیمی با این روش بوده، اما این شیوه در حال منسوخ شدن است ولی امروزه، نقاشی روی مینا متداول تر است (سیدصدر، 1388: 419).

پیشینه هنر میناکاری قبل و بعد از اسلام

درباره پیشینه تاریخی هنر میناکاری قبل از دوره صفوی، یعنی قبل از قرن دهم ه.ق. نمونه‌های قابل ملاحظه‌ای به دست نیامده است، ولی سابقه میناکاری در ایران به هزاره دوم ق.م می‌رسد و این هنر در ایران بنیان نهاده شده، سپس به سایر نقاط جهان راه یافته است. پروفیسور پوپ در کتاب سیری در هنر ایران درباره میناکاری چنین می‌نویسد: «...میناکاری هنر آتش و خاک است با رنگ‌های پخته و درخشان، سابقه این هنر به 1500 سال پیش از میلاد می‌رسد» (سیدصدر، 1386: 42). از آثار میناکاری به دست آمده یک نمونه مینای خانه‌بندی نفیس متعلق به دوره ساسانی و جام خسرو است که ظرفی طلایی با یک قطعه کریستال کنده‌کاری شده است و در مرکز آن، ترصیعات شیشه رنگی خسرو اول، معروف به جام خسرو است و شیوه مینای خانه‌بندی مرصع در آن به کار رفته و در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود (مارگولیز، 1387: 972). (تصویر 4) یکی از روش‌های تزئین فلزات، به‌ویژه طلا هنر میناکاری است که نشانگر استعداد ذاتی هنرمندان ایرانی دوره‌های مختلف است (کریمیان، 1375: 74). هنر میناکاری در ایران بیش از نقاط دیگر جهان تجلی داشته و یکی از نمونه‌های قدیم آن را از دوره صفویه از طرف «شاردن» جهانگرد فرانسوی ذکر شده است که قطعه مینایی نقاشی شده از اصفهان دیده که شامل طرحی از پرندگان و حیوانات بر زمینه گل و بته به رنگ آبی کمرنگ، سبز، زرد و قرمز بوده است. عیسی بهنام در کتاب صنایع دستی ایران درباره این هنر چنین ذکر کرده است: «...قدیمی‌ترین نمونه‌هایی که از هنر میناکاری در موزه‌های دنیا وجود دارد به دست ایرانیان ساخته شده و از لحاظ فنی میناهایی که به نام «بیزانس» مشهورند از مینای ایرانی اقتباس شده‌اند». میناکاری صابئین (مندیان) به شیوه دوره قاجار نزدیک است، استفاده از نقوش به این شیوه صورت می‌گیرد و می‌تواند ما را تا حدی با نقوش این دوره آشنا سازد. هنر میناکاری امروزه در جواهر سازی و کاربرد آن در تزئین اشیا به‌زیبایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و از هنرهای بسیار نفیس و ماندگار ایرانی است.



تصویر 4. جام خسرو، دوره ساسانی، نمونه مینای خانه‌بندی مرصع با جواهرات، 579-531 م. کتابخانه ملی پاریس، قطر 30 سانتی متر. (پوپ، 1387: 203).

مطالعه هنر میناکاری دوره فتحعلی شاه قاجار 1772-1834م/1185-1250ه.ق

کاربرد هنر مینای دوره قاجار

میناکاری در تاریخ هنر ایران به عنوان یکی از صنایع دستی با پیشینه طولانی شناخته می‌شود. این صنعت، دوره قاجار بیش از هر دوره دیگری مورد توجه و حمایت دربار بوده است. دوره قاجار سفارش‌های اسیا و ظروف میناکاری فلزی با حمایت و سفارش افراد طبقه بالای اجتماع همراه بوده است (رحیمی، 1396: 128). هنر میناکاری مورد حمایت و سفارش شخص شاه قرار داشت (رحیمی، 1396: 135). نقاشان درباری قاجار در هنر نقاشی میناکاری روی فلزات و طلا سرآمد بوده‌اند و شیوه کار آنان با تاثیر از هنر میناکاری دوره صفوی بوده است. هنرمندان ایرانی در نمونه‌های اولیه با رنگ آمیزی درخشان و طرح‌های بدیع گل‌دار و نقش مایه‌های ایرانی طرح‌های بسیار دلپسندی خلق کردند. هنرمندان این دوره با تکنیک لعاب و حکاکی برجسته روی مینا نقاشی شده به خلق آثار بدیعی دست زدند. بیش از نود نمونه از آثار مینایی دوره فتحعلی‌شاه در موزه‌های جهان باقی مانده است. با توجه به حمایت شاه از این هنر و استقبال خارجیان، آثار برجسته‌ای با این شیوه برای هدایای دیپلماتیک در نظر گرفته می‌شده و سفارش دربار به هنرمندان نقاش آن زمان بوده است، این هنر به طور مساوی یا حتی بیشتر از هنر نقاشی پیکرنگاری درباری مورد توجه فتحعلی شاه قاجار بوده است. میناهای طلاکاری شده، بیشتر با جواهرات نفیس و گران بها مرصع کاری می‌شده و اغلب نشان‌های سلطنتی با تزیینات مینایی همراه بوده و سفارشات دیپلماتیک نیز با هنر مینا تهیه می‌شده است (Diba, 1999: 203). تو صیفی که میرزا صالح شیرازی در سال 1227ه.ق/1812م، درباره نقاش خانه دولتی دربار فتحعلی شاه قاجار ارائه داده است، مؤید این شرایط است: «...درجانبین تالار چهار اروسی است؛ دو اروسی جهت پیشخدمتان و دو اروسی دیگر نشیمن نقاشان و زرگران و میناکاران که به جهت شاه و اندرونی شاهی شب و روز کار می‌کنند...» (شیرازی، 1388: 30). در این دوره، کارگاه‌های سلطنتی بسیار ساده بوده و بیشتر نقاشان در حجره‌های محقری در بازار کار می‌کردند و از آتلیه‌های پر زرق و برق اروپایی خبری نبوده است (بنجامین، 1363: 415). آثار میناکاری در خانه اشرف و بزرگان به صورت انواع تزیینی و کاربردی مورد استفاده قرار گیرد. هنر میناکاری طی سده‌های 13-14 ه.ق هنری درباری و اشرافی محسوب می‌شده است (رحیمی، 1396: 131-132). نقاشان، چهره شاه و شاهزادگان را به شیوه مینیاتورسازی و در مقیاس ریزنقش بر اشیاء درودگری و میناکاری حک می‌کردند (فریه، 1374: 225). هنر میناکاری دوره قاجار در جواهرات و ظروف و سایر اشیاء از نوع مینای خانه‌بندی بوده و بیشتر بر زمینه‌های برجسته طلا و نقره به کار می‌رفته و با سنگ و عاج، یشم و یاقوت و لعل و زمرد تزیین می‌شده است. میناهای خانه‌بندی شده دوره قاجار در بیشتر موزه‌های جهان و خزانه جواهرات ملی ایران موجود است و از اولین

نمونه‌های مینای خانه‌بندی امضا دار در ایران به شمار می‌رود که با رنگ‌آمیزی زیبای متنوع با رنگ‌های آبی، سبز، سفید، صورتی و قهوه‌ای روی اشیای متنوعی، مانند قلیان، جام‌های پایه‌دار، قاب آینه، جعبه، اشک‌دان، عطردان، گوشواره و جواهرات و ظروف کاربردی، حتی در تزیینات و ساخت ضریح و لوح‌های استفاده شده برای بناها یا اماکن متبرکه استفاده می‌شده است. یکی از شاخص‌ترین آثار مینای خانه‌بندی دوره قاجار نمونه «تخت طاووس» است که به فرمان فتحعلی‌شاه قاجار در سال 1216 ه.ق با جواهرات و سنگ‌های قیمتی موجود در خزانه ملی ایران با زمینه چوبی و باروکش طلا ساخته شد. به سبب وجود نقش خورشید مرصعی که بالای این تخت قرار داشت به «تخت خورشید» مشهور گشت. پس از ازدواج فتحعلی‌شاه با «طاووس تاج الدوله» این تخت به نام «تخت طاووس» مشهور شد (تصویر 5). این تخت تا سال 1360 در تالار کاخ گلستان قرارداد شد؛ در تاریخ 1360/6/17 به خزانه جواهرات بانک مرکزی انتقال پیدا کرد. بعد از سقوط دوره قاجار مینای خانه‌بندی به تدریج در ایران از رونق افتاد تا زمانی که در ابتدای سلطنت رضا شاه دوره پهلوی اول شخصی به نام «ماکس اتوشونمان» معمار کارخانه‌های صنعتی اصفهان کارگاه مینای خانه‌بندی را در این شهر تأسیس کرد (کیانی، 1383: 145).

انواع هنر میناکاری دوره قاجار

نفیس‌ترین آثار میناکاری دوره قاجار را روی طلا اجرا می‌کردند؛ نمونه‌هایی از انواع هنرمیناکاری در میان جواهرات سلطنتی ایران و نمونه‌های اهدا شده به افراد غیرایرانی عرضه شده است (فریه، 1374: 228). میناکاری، بیشتر بر زمینه‌های برجسته فلزاتی به کار می‌رفت که با گوهر عاج، یشم، یاقوت، لعل و زمرد تزیین می‌شد (اسلامی و رهنمون، 1391: 12). همچنین زمینه کار روی فلزاتی، همچون طلا، نقره، مس، برنج و مانند آن در آن زمان اجرا می‌شده است (عطاری و دیگران: 1390: 17). از انواع هنرهای میناکاری می‌توان به میناکاری سیاه، میناکاری رنگی، میناکاری منقور، میناکاری تخت اشاره کرد (کریمی‌ان، 1384: 77). انواع هنرمیناکاری مورد استفاده دوره قاجار دارای تفاوت‌هایی در اجرا و روش‌های تولید است که در جزئیات دارای اختلاف است: **مینای خانه‌بندی یا حجره‌بندی**؛ در این روش مینا با مفتول‌های فلزی روی سطح کار لحیم کاری شده، سپس فضای بین سیم‌ها با رنگ‌های مینایی پر می‌شود و برای جلوگیری از سیاه شدن مفتول‌ها سطح کار با لعاب مینایی پوشانده می‌شود. **مینای نقاشی شده**؛ در این روش، زمینه یا ورقه مس به شکل دلخواه بعد از مراحل تاب‌دادن دوغاب داده می‌شود، سپس به جسم مسی سه بار لعاب داده می‌شود که بستگی به شکل، ممکن است لعاب دهی تا پنج بار متغیر حرارت داده شود. **مینای مرصع**؛ در این روش میناکاری، دانه‌های یاقوت به رنگ‌های مختلف روی ظرف مینا

و از طریق رنگ، لعاب و آب چسبانده می‌شود. **مینای برجسته**؛ در این روش نقوش و خطوط مورد نظر روی شیئی فلزی طرح شده یا از طرف استاد زمینه م‌سی همزمان حین کار برجسته می‌شود. **مینای شکری**؛ در این روش اسکلت مس با لعاب رنگی پوشش داده می‌شود (عطاری و دیگران، 1390: 15-16).

هنرمندان میناکار دوره قاجار

آموزش نقاشان دوره فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار بر محور نظام استاد- شاگردی استوار بوده است. هنرمندان این دوره، افزون بر ترسیم و نقاشی می‌توانستند در تذهیب، نگارگری، نقاشی لاک، نقاشی پشت شیشه و **نقاشی مینایی** اصول کار را بیاموزند. تدریس طراحی و نقاشی به صورت رسمی وجود نداشته و اصل ممانعت کلامی و فقهی در بین گروه‌هایی از جامعه جاری بوده است و نقاشان به صورت خصوصی آموزش می‌دیدند. نقاشی تحت نظام صنفی و در منازل شخصی نقاشان صورت می‌گرفت و نقاشان دارای صنف بودند (تحویلدار اصفهانی، 1342: 112). در اوایل قرن 19 م، بسیاری از هنرمندان دربار قاجار از جمله میرزا بابا که نقاش با استعدادی بود، در زمینه هنر درخشان و ریزنگاری میناکاری دست داشته است، همچنین، «محمدجعفر» در میان هنرمندان این دوره، بیشترین آثار را با کیفیت عالی به انجام رسانده و حداقل دوازده کار میناکاری شده با امضا و تاریخ از او به‌جای مانده است. دوره قاجار، میناکاران متعدد و صاحب نامی وجود داشتند که در دربار قاجار مشغول به کار بوده‌اند؛ نمونه‌های میناکاری زیبایی از آثار هنرمندانی، مانند «باقر و علی» در زمان فتحعلی شاه با امضاء موجود است که دارای دقت، ظرافت و زیبایی است (رایسن، 1384: 93). چون در آن زمان مرسوم بوده که میناسازان نام خود را در کنار آثارشان امضا می‌کردند، خوشبختانه نام برخی هنرمندان مشخص است (فیض‌اللهی، فنایی، 1389: 61). هنرمندان معمولاً با یک اسم دینی و با لقب‌های مستعار شناخته می‌شدند که شناسایی آنان را در زمان حاضر دشوار می‌کند (صنیع زاده، 1387: 4). در این دوره، سرمشق ملاک اصلی صنایع هنری مدرن در نجف وضع گردید و با پالایش روزافزون از طرف «محمد اسماعیل» که تخصص در اجرای موضوع‌های اروپایی داشت و با همراهی سه فرزندش «محمد کاظم، جعفر و احمد» این هنر رونق و کمال یافت. بادامه این فعالیت‌های هنری بود که «کاظم و جعفر» در هنر میناکاری منقوش همتایی نیافتند. از هنرمند دیگر این دوره در زمان فتحعلی شاه «باقر و محمدجعفر» استادانی بودند که منحصراً روی طلا نقوش مینایی خود را اجرا می‌کردند و با ظرافت اجرای نگارگری به خلق آثار می‌پرداختند (فریه، 1374:

230). از هنرمندان معروف میناکاری دوره قاجار می‌توان به «علی، باقر، محمدجعفر» اشاره داشت (رحیمی، 1396: 131-132).



تصویر 5. تخت طاووس، مینای خانه‌بندی جواهرنشان، مرصع کاری شده با سنگ، موزه جواهرات ایران.
<https://www.cbi.ir>

در سال 1331 ش وزارت فرهنگ و هنر برای معرفی و زنده نگه‌داشتن این هنر کارگاه میناسازی برای هنرمندان در ایران تأسیس کرد (غرشلی، 1341: 32). هنر میناکاری دوره قاجار از نوع خانه‌بندی و مرصع کاری شده با جواهرات ارزشمند بوده و دو نوع میناکاری نقاشی شده رقیق آبرنگی و غلیظ رنگ و روغنی در هنرهای میناکاری این دوره کاربرد داشته است. در اشیای کاربردی بیشتر مینای خان‌بندی نقاشی شده یا ساده دیده می‌شود، ولی در اشیای کوچک تزئینی و نفیس، مانند نشان‌های درباری مینای خانه‌بندی نقاشی شده و با تزئینات جواهر دیده می‌شود.

اثرپذیری هنر میناکاری از هنر نقاشی پیکرنگاری دوره قاجار

هنر نقاشی پیکرنگاری درباری دوره قاجار بر بازنمایی جزئیات و نقش‌مایه‌ها و تکرار آن در همه اشیا برای تزئین سطوح قابل مشاهده است. هنر نقاشی در این دوره به‌منظور به‌دست آوردن یک الگوی بصری ثابت با هدف بازنمایی شوکت شاه و دربار قاجار می‌گوشید، آرایه‌های فاخر تزئین شده این دوره را بر اشیاء نقاشی‌شده بزرگ و کوچک، تزئینی و کاربردی را با ویژگی‌های نقاشی پیکرنگاری درباری به‌صورت یکسان اجرا سازد. اشیاء میناکاری تزئینی و کاربردی با تاثیر از نقاشی درباری این دوره، زبان مشترکی در تصاویر دارد و آن تکرار ویژگی‌های هنر نقاشی پیکرنگاری درباری و تاکید بر آرایه‌های تزئینی آن در همه ابعاد و سطوح تزئینی برای اهدا به سفرا و خارجیان و کاربردی و استفاده در دربار بوده است. اشیاء میناکاری شده این دوره، سفارشی رسمی از سوی دربار به هنرمندان بوده و سلیقه سفارش دهنده در آن قابل مشاهده است. در اشیای تزئینی و کاربردی پرداختن به جزئیات تصویر و تزئینات لباس و پوشش،

چهره‌نگاری آرمانی و مشخصات نقاشی پیکرنگاری درباری به چشم می‌خورد و تکرار می‌شود؛ این امر با هدف انتقال پیام نمایش شوکت شاه و دربار به مخاطب داخلی و خارجی بوده است. در آثار میناکاری، تاثیرات پیکرنگاری در اشیاء بر مبنای بازنمایی ثروت و شوکت دربار در ابعاد کوچک و بزرگ قابل مشاهده است و این امر به صورت آگاهانه و هدفمند در هر دو سبک تزیینی و کاربردی میناکاری به کار رفته است و در هر دو مورد، ویژگی‌های هنر پیکرنگاری درباری این دوره قابل مشاهده است. در ادامه به ویژگی‌های هر بخش و نمونه‌های آن پرداخته می‌شود. تکرار عناصر هنر ایرانی دوره قاجار و یکپارچگی اشیاء نشان مستقیمی از وابستگی هنر میناکاری به قواعد هنر نقاشی پیکرنگاری درباری در هنر دارد.

هنر میناکاری در اشیاء تزیینی

میناکاری تزیینی به دو دسته تقسیم می‌شود؛ اشیایی که با موضوع چهره و پیکرنگاری از شاه و درباریان بوده و بخشی که با چهره و پیکرنگاری از زنان انجام می‌شود؛ اشیاء تزیینی با جواهر همراه بوده و نقاشی پیکرنگاری تمام قد از شاه قاجار در ابعاد کوچک است که در قاب‌بندی مشخص و با سنگ جواهرات دورقابی درون تصویر روی تاج و لباس دیده می‌شود (تصویر 6). نشان‌های رسمی و دولتی این دوره نیز شامل این میناکاری است. در تطبیق این نمونه‌های مینای تزیینی با نقاشی پیکرنگاری درباری، ویژگی‌های سبک نقاشی پیکرنگاری دیده می‌شود و این نمونه‌های کوچک دارای ویژگی‌های چهره و پیکرنگاری آرمانی؛ البسه فاخر و تزیینات جواهر روی لباس و فرش‌های گران بها هستند. بالای سر پیکره‌های در نقاشی این دوره پرده جمع شده‌ای در بالای پیکره دیده می‌شود که در آثار میناکاری هم تکرار شده است (تصویر 6). در این آثار مینایی، مانند سایر آثار نقاشی این دوره طبیعت‌پردازی، چکیده‌نگاری، تزیین و زیبایی با یکدیگر ادغام شده‌اند. با توجه به اهمیت چهره‌نگاری و جزئیات آن و توصیف شخصیت‌های درباری در آثار مینایی نیز قابل مشاهده است. در ترکیب‌بندی و آرایش تصاویر اثرپذیری از سنت نقاشی پیکرنگاری درباری آرمانی و تمثیلی قابل مشاهده است. زنان درباری نیز مانند نقاشی‌های دوره قاجار دارای جنبه‌های تمثیلی و آرمانی با رویکرد تزیینی بوده و جلوه‌ای زنانه آرمانی را به تصویر می‌کشد. (تصاویر 8-14-16).



تصویر 6. هنرمند: نامشخص، سال: حدود زمانی 1800 م. حدودی، تمثال فتحعلی‌شاه نقاشی میناکاری شده، ابعاد: 8/7 سانتی متر، محل نگهداری: نامشخص. www.sothbys.com.



تصویر 7. هنرمند: باقر، سال: حدود زمانی: اواخر قرن 18 و اوایل قرن 19 م.، تمثال فتحعلی‌شاه قاجار، نقاشی میناکاری شده، ابعاد باقاب: 8/6 × 9/6 نقاشی بدون قاب 5 × 6/5 محل نگهداری: نامشخص.

www.christies.com



تصویر 8. آویز طلای میناکاری شده قاجار، ایران، قرن نوزدهم م، پلاک زنگی شکل تزئین شده با مینای پلی کروم با زن جوان و میوه‌ای در دست، مینای ساده فیروزه‌ای، با نه آویز طلایی گل برجسته، 7 سانتی متر، 11 گرم.

مأخذ: www.bonhams.com



تصویر 9. سنجاق میناکاری قاجاری با فیروزه کوبی، ایران، قرن 19 م.، مینای پلی کروم با نمایش دو پیکره زن و مرد در فضای داخلی، قطر: 51 میلی متر. www.bonhams.com



تصویر 10. نشان شیر و خورشید، هنرمند: محمدجعفر، 1224 ه.ق/1828 م.، مینای نقاشی شده و خانه بندی با رنگ و روغنی، ابعاد: پلاک 8×9 سانتی متر، نصب روی یقه: 4/25 × 6/35 سانتی متر، ستاره: 5/12 × 2/15 سانتی متر. <https://collections.vam.ac.uk>



تصویر 11. بشقاب با نشان سلطنتی شیر و خورشید ایران، امضا: محمدجعفر، تهران، تاریخ 1233 ه.ق / 18-1817 م، مینای طلاکاری شده، قطر 32/1، وزن 1/2241 گرم. (Diba & Ekhtiar, 1998:202-203).

جدول شماره 1. مطالعه اثرپذیری هنر میناکاری تزیینی با اثرپذیری از نقاشی پیکرنگاری درباری دوره قاجار، منبع: نگارنده.

نمونه نقاشی	نمونه میناکاری	ویژگی‌های تصویری نقاشی پیکرنگاری درباری
	 <p>مینای نقاشی شده مرصع</p>	<p>چهره آرمانی، ریش بلند تاج جواهرنشان، لباس گران بها، صندلی جواهرنشان، کفش پاشنه‌دار، مرواریددوزی، شمشیر جواهرنشان، صندلی سلطنتی با خورشید در پشت و جواهر</p>
	 <p>مینای نقاشی شده</p>	<p>چهره آرمانی، ریش بلند، تاج جواهرنشان، پیکره با لباس گران بها، نشسته چهارزانو، با لباس با تزیینات جواهر</p>
	 <p>مینای نقاشی شده</p>	<p>ابروان پیوسته، چهره آرمانی، لباس قاجاری، موهای سیاه مجعد، لباس گران بها با تزیینات مروارید و جواهر</p>

هنر میناکاری در اشیاء کاربردی

اشیاء میناکاری در هنرهای کاربردی این دوره از جواهرات کمتری برخوردار بوده و بیشتر بر جنبه استفاده و کاربردی آن در کنار زیبایی شیئی تاکید می‌شده است. این اشیاء، وسیله‌ای برای استفاده روزمره در دربار بوده و با جنبه تزئینی- کاربردی همراه بوده است. ابعاد این اشیاء بزرگ‌تر از نمونه‌های تزئینی بوده و بدون جواهرات است، ولی همچنان منقوش و پر تزئین کار شده‌اند. در اشیاء کاربردی، عناصر هنری و تزئینی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که جنبه عملکردی آن تضعیف نشده باشد و در راستای طراحی کاربردی نوع شیئی نقاشی شده‌اند. مفهوم شیئی در این دوره، تغییر کرده و تعادل در ترکیب‌بندی و اسباب‌بودن به‌عنوان موضوع اصلی مورد توجه قرار گرفته و باتوجه به اندازه شیئی، نقش‌مایه‌های هنر این دوره اقتباس شده و در قسمت‌های مختلف شیئی به‌صورت مینای خانه‌بندی منقوش به‌کار رفته است. در این پژوهش، با بررسی و طبقه‌بندی نقوش در اشیاء کاربردی مشخص می‌شود، نقوش و طرح‌های به‌کار رفته روی اشیاء میناکاری شده این سبک، بیشتر تجربیدی و چهره و پیکرنگاری از زنان با اثرپذیری از هنر نقاشی این دوره به‌کار رفته و بر جنبه تزئینی آن در کنار کاربرد شیئی تاکید شده است. آثار کاربردی در تزئین، ساده‌تر و خلاصه‌تر از اشیاء تزئینی صرف بوده و بدون جواهرات و مرصع‌کاری است. این موارد در جدول 2 شماره قابل جمع‌بندی است.



تصویر 12. جعبه مسی میناکاری شده قاجار، ایران، قرن نوزدهم م، جعبه مستطیل، ارتفاع جعبه: $12.7 \times 12 \times 8.8$ سانتی متر. مکان نگهداری: مجموعه خصوصی در اسپانیا. مأخذ: www.bonhams.com



تصویر 13. جام قلیان میناکاری شده قاجار، ایران، قرن نوزدهم م، تزئین شده با مینای پلی کروم و خطوط طلایی، ارتفاع: 5.3 سانتی متر. مأخذ: www.bonhams.com



تصویر 14. انگشت‌دانه قاجاری، مینا و طلای کمیاب قاجار، ایران، قرن نوزدهم م، ارتفاع: 2.7 سانتی متر. مأخذ: www.bonhams.com



تصویر 15 انگشت‌دو طرفه طلا میناکاری شده قاجار، ایران، قرن نوزدهم م، انگشت‌دو لولایی، اندازه: 2.5 سانتی متر، مکان: مجموعه خصوصی. مأخذ: www.bonhams.com



تصویر 16. یک جفت مدال طلا، میناکاری شده روی طلای دوره قاجار، درخت با طرح سرهای آویزان، میناکاری شده با پشت مینای سبز، قرن 19 م، محل نگهداری: موزه ویکتوریا و آلبرت شماره موزه‌های: M.91 to B-1969. <https://vam.ac.uk>

جدول شماره 2. شاخصه‌های بصری میناکاری دوره قاجار با اثرپذیری از هنر دوره قاجار، منبع: نگارنده.

شاخصه‌های فرمی و محتوایی	آثار مینایی تزئینی	آثار مینایی کاربردی
اجزای تشکیل‌دهنده	مینا طلا، جواهر.	طراحی شده با توجه به کاربرد شی.
پس‌زمینه	تاثیر از پیکرنگاری درباری ساده، پرده، شی.	تکرار یک نقش ساده هندسی، گیاهی، ساده.
ترکیب‌بندی	متاثر از پیکرنگاری درباری در فضای محدود.	اثرپذیری از نقاشی قاجار و توجه کاربردی به شی.
ویژگی‌های ظاهری	نقاشی میناکاری شده، ترکیب با جواهر، مینای خانه‌بندی نقاشی و مرصع	نقاشی میناکاری شده روی سطح شی، مینای خانه‌بندی نقاشی
تناسبات کادر	دارد، کاملاً متناسب پیکرنگاری درباری	دارد، متناسب با شی طراحی شده تنوع بیشتر در سبک و اجرا
همگامی طرح و نقش	دارد رسمی	دارد تنوع نقش و طرح
جنس	طلا	طلا، نقره، مس
جواهر	دارد متناسب با فضای تاج یا لباس	ندارد در نوع محدود فیروزه
مینای خانه‌بندی	نقاشی شده	نقاشی شده خانه‌بندی

نتیجه‌گیری

آثار میناکاری دوره قاجار، از فرهنگ تصویری این دوره از نقاشی‌های پیکرنگاری درباری متأثر بوده و شاخصه‌های آن را در ابعاد کوچک در قالب دو نوع تزیینی و کاربردی متبلور می‌کند. اشیاء تزیینی در ابعاد کوچک طراحی شده و دارای تصویر شاه و درباریان همراه با تزیینات جواهر است و بیشتر برای هدایای دیپلماتیک تهیه می‌شده است؛ ولی در نوع کاربردی تنوع طرح و نقش بیشتر بوده و ظاهراً هنرمند از آزادی عمل بیشتری برخوردار بوده است. در میناکاری کاربردی، تزیینات چهره و پیکرنگاری از حالت تزیینی غیر رسمی تری بوده و از جواهرات محدودتری برای تزیین استفاده شده است و باتوجه به کاربرد شیئی طراحی صورت گرفته است. هر دو سبک میناکاری از نوع نقاشی خانه‌بندی بوده، ولی نوع تزیینات آن متفاوت است. اشیاء میناکاری دوره ابتدایی قاجار، ویژگی‌های ظاهری مشابه و متأثر از سبک نقاشی پیکرنگاری درباری را در خود داشته‌اند. در بخش تزیینی با جواهرات همراه بوده و در تزیینات از نوع کاربردی وجهی از همبستگی هنر و زندگی و استفاده از تزیین در اشیاء را نمودار می‌سازند. طراحی اشیاء دوره ابتدایی قاجار در استفاده از هنر میناکاری در تزیین و کاربرد منسجم بوده و از ساختار اصولی تزیین در هنر ایرانی با اثرپذیری از هنر نقاشی پیکرنگاری درباری قاجار پیروی می‌کرده است. در اشیاء تزیینی شاخصه تزیینی بودن پررنگ‌تر است و از سنگ و جواهر برای تزیین و تأکید برای زیبایی اثر استفاده شده، ولی در جنبه کاربردی بیشتر بر جنبه عملکردی شیئی تأکید شده است. در هر دو بخش هنر میناکاری از تزیینات قاعده‌مند و منسجمی برخوردار است و شاخصه‌های تزیینی بودن و طراحی اصولی در آن رعایت شده است. نتیجه بررسی نشان داده است که خصایص هنر پیکرنگاری درباری در قالب آثار مینایی بیشتر بر جلوه‌های تزیینی متمرکز بوده و در نمونه‌های کاربردی نیز به آن توجه شده است. جواهرات به کار رفته داخل اثر و حاشیه‌های آن در اشیاء تزیینی بیشتر از نمونه‌های کاربردی بوده و آثار کاربردی متنوع تر، ولی بدون استفاده از سنگ جواهر بریا تزیین بوده است. نمایش چهره‌های آرمانی و تمثیلی، همچون نقاشی پیکرنگاری درباری در نمونه‌های تزیینی مینایی در ابعاد کوچک رعایت شده و نمود پیدا می‌کند. نتیجه مشخص پژوهش در مطالعه آثار مینایی این دوره نشان می‌دهد در هر دو سبک ویژگی‌های هنر دوره قاجار قابل شناسایی است.

پی‌نوشت

Enamel1- میناکاری؛ نقاشان دربار قاجار در هنر طلاکاری روی مینا سرآمد بودند؛ بیش از نود نمونه از آثار مینایی دوره فتحعلی شاه باقی‌مانده است. با توجه به حمایت شاه از این هنر، این هنر به‌طور مساوی یا حتی بیشتر از پیکرنگاری درباری مورد توجه بوده است. (Diba&Ekhtiar,1998:203)

منابع

- اسلامی، مونا و رهنمون، پوپک (1391). میناکاری روی فلز. تهران: سمت.
- اتینگهاوزن، ریچارد و یارشاطر، احسان (1379). *اوج‌های درخشان هنر ایران*. ترجمه هرمز عبداللهی و رویین پاکباز. تهران: آگاه.
- اثنی عشری، نفیسه و آشوری، محمدتقی (1396). بهره‌گیری فتحعلی شاه از زبان تصویر در قدرت نمایی. *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، (20)، 47-58.
- ابراهیمی ناغانی، حسین (1386). جلوه شکل انسان در نقاشی دوره قاجار. *گلستان هنر*، (9)، 82-88.
- آزند، یعقوب (1389). *نگارگری ایران*. 2 جلد. تهران: سمت.
- آدامووا، ات (1386). *نگاره‌های ایرانی گنجینه ارمیتاژ*. ترجمه زهره فیضی. تهران: فرهنگستان هنر.
- بنجامین، سموئل گرین ویلر. (1363). *ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه*. ترجمه حسین کردبچه. تهران: جاویدان.
- تحویلدار اصفهانی، حسین محمد ابراهیم (1342). *جغرافیای اصفهان: جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر*. تهران: دانشگاه تهران.
- پاکباز، رویین (1387). *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*. تهران: زرین و سیمین.
- پنجه‌باشی، الهه (1402). مطالعه تحولات تمثال‌های نقاشی شده مینایی با تصویر شاهان و شاهزادگان در دوره قاجار (فتحعلی شاه تا انتهای دوره ناصرالدین شاه). *نگره*، (67)، 145-169.
- جلالی جعفری، بهنام (1382). *نقاشی قاجاریه (نقد زیبایی شناسی)*. تهران: کاوش قلم.
- حاتم، جمشید (1387). نگاهی به نقاشی قاجار. *نقش‌مایه*، (2)، 1-29.
- خلیلی، مریم (1383). تک‌چهره‌های فتحعلیشاه با تأکید بر آثار مهرعلی نقاش باشی فتحعلی شاه. *مطالعات هنرهای تجسمی*، (21)، 49-42.
- خلیلی، ناصر (1383). *گرایش به غرب*. 6 جلد. تهران: کارنگ.
- دهخدا، علی اکبر (1377). *لغت‌نامه*. 7 جلد. تهران: دانشگاه تهران.
- دیبا، لیلا (1378). تصویر قدرت و قدرت تصویر: نیت و نتیجه در نخستین نقاشی‌های عصر قاجار (1785-1834م). *ایران‌نامه*، (67)، 423-452.
- رایبسن، ب. و (1384). *هنرنگارگری ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- رحیمی، طیبه (1396). میناکاری و نگرشی بر تکنیک‌های اجرای آن در ایران عصر قاجار. *مجله مطالعات ایران شناسی*، (5)، 128-140.
- سیداخلاقی، پریسا (1388). *دانشنامه کوچک صنایع دستی ایران*. تهران: قصیده.
- سیدصدر، سیدابوالقاسم (1386). *دائرةالمعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن*. تهران: سیمای دانش.
- سودآور، ابوالعلاء (1380). *هنر دربارهای ایران*. ترجمه ناهید محمد شمیرانی. تهران: نشر کارنگ.

- سهیلی اصفهانی، بهروز و صابر زینب (1401). گسست صنایع دستی ایران از هنرهای زیبا در نسبت گفت‌وگو قاجار با تاکید بر دوگانه هنرهای زیبا/هنرهای کاربردی. *هنرهای صناعی ایران*، (2)، 129-140.
- شیرازی، میرزا صالح (1388). *مجموعه سفرنامه های میرزا صالح شیرازی*. غلامرضا میرزا صالح. تهران: نگاه معاصر.
- علیمحمدی اردکانی، جواد (1391). *همگامی ادبیات و نقاشی قاجار*. تهران: انتشارات یساولی.
- عطاری و جمعی از نویسندگان (1390). *بازشناسی هنرهای سنتی - اسلامی (1) هنرمینا*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- غرش، مهدی (1341). با کارگاه‌های مینا سازی هنرهای زیبای کشور آشنا شوید. *نشریه هنر و مردم*، 1 (3)، تهران.
- فیض‌اللهی، مریم (1388). *مراحل ساخت مینای حجره‌بندی*. خلاصه مقالات گنجینه‌های از یادرفته هنر. تهران: فرهنگستان هنر.
- فیض‌اللهی، مریم و فنایی، زهرا (1389). بررسی لباس و پوشاک دوره قاجار مبتنی بر آثار مینایی برجای مانده از این دوره در موزه آذربایجان تبریز. *مجله نگره*، (15)، 57-71.
- فقیهی، سید محمد (1362). *سیری در هنرهای ظریفه: هنر میناکاری هنر درخشان آتش و خاک*. (5)، 256-263.
- فلور، ویلم (1395). *نقاشی دیواری در دوره قاجار*. ترجمه علیرضا بهارلو. تهران: پیکره.
- فلور، ویلم، چلکوو سکی، پیتر و اختیار، مریم (1381). *نقاشی و نقاشان دوره قاجاریه*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات ایل شاهسون بغدادی.
- فریه، ر. دبلیو (1374). *هنرهای ایران*. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فرزانه روز.
- کیانی، مصطفی (1386). *معماری دوره پهلوی اول*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- کریمی‌ن، نعیمه (1375). *مینا کاری در اهواز*. *مجله میراث فرهنگی*، (16)، 74-77.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (1369). *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی*. لندن: مستوفی.
- کازاما، آکی یو (1380). *سفرنامه کازاما*. ترجمه هاشم رجب‌زاده و وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- مسکوب، شاهرخ (1378). *درباره تاریخ نقاشی قاجار*. *ایران‌نامه*، (67)، 405-422.
- میرزایی مهر، علی اصغر، حسینی، مهدی (1396). *کشف ارزش تصویر در هنر عهد فتحعلی‌شاه قاجار*. مبانی نظری هنرهای تجسمی، (4)، 99-110.
- مارگولیز، اروین (1387). *سیری در هنر ایران*. 2 جلد، فصل 35. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: علمی فرهنگی.
- ورنویت، استفان (1383). *گرایش به غرب*. ترجمه پیام بهتاش. تهران: کارنگ.
- میثاقی، مریم و مرادوند، فرناز (1381). *میناکاری صابین*. *ماه هنر*، (53-54)، 123-126.

وولف، ای، هانس و ابراهیمزاده، سیروس (1372). صنایع دستی کهن ایران. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

یاوری، حسین (1389). در جستجوی معنا. مجموعه مقالات هنرهای سنتی ایران. تهران: سوره مهر.

یاوری، حسین (1382). آشنایی با هنرهای سنتی. تهران: صباي سحر.

Diba, I. S. & Ekhtiar, Maryam. (1999), Royal Persian Paintings, New York & London: Qajar Epoch Tauris Publishers.

www.bonhams.com

www.sothbys.com

www.christies.com

<https://collections.vam.ac.uk>

www.reenaahluwalia.com

<https://www.cbi.ir>

<https://collections.vam.ac.uk>

Transliteration

Adamova, Adel Tigranovna. (2007). Iranian paintings in the Hermitage treasury.

Translated by Zohreh Feyzi. Tehran: Farhangestan-e-Honar.

Ajhand, Yaqoub (2009). Iranian painting. 2 vols. Tehran: Samt.

Alimohammadi Ardakani, Javad (2012). Synchronization of Qajar Literature and Painting. Tehran: Yasāvūlī Publications.

Asna-Ashari, Nafiseh and Ashouri, Mohammad-Taghi (2017). Fath-Ali Shah's use of the language of images in the power of representation. Letter of Visual and Applied Arts, (20), 47-58.

Attari and a Group of Writers (2011). Recognition of Traditional-Islamic Arts (1) Honarmina. Tehran: Research Institute of Culture, Art and Communication.

Benjamin, Samuel Greenwheeler. (1984). Persia and the Persians. Translated by Hossein Kordbache. Tehran: jāvīdan.

Dehkhoda, Ali Akbar (1998). Loḡatnāmeḥ. 7 vols. Tehran: University of Tehran.

Diba, Leila (1999). Studying the Role of Mirzababa in the Qajar Period as a Painter. Iran Nameh, (67), 452-423.

Ebrahimi-Naghani, Hossein (2007). The manifestation of the human figure in Qajar painting. Golestan-e-Honar, (9), 82-88.

Eslami, Mona and Rahnemon, Popak (2012). Enamel on metal. Tehran: Samt.

Ettinghausen, Richard and Yarshater, Ehsan (2000). Highlights of Persian Art. Translated by Hormoz Abdollahi and Rouyin Pakbaz. Tehran: Agah.

Faghihi, Seyyed Mohammad (1983). A journey through the fine arts: the art of enameling, the brilliant art of fire and soil. (5), 256-263.

Fariyeh, R. W. (1995). The Arts of Iran. Translated by Parviz Marzban. Tehran: Farzān Rooz.

- Feizollahi, Maryam (2009). The stages of making chamber enamel. Summary of articles on forgotten treasures of art. Tehran: Art Academy.
- Feyzollahi, Maryam and Fanaei, Zahra (2009). STUDY ABOUT QAJARIAN DRESSES AND WEARS BASED ON ENAMELING PIECES REMAINED OF QAJAR ERA IN AZERBAIJAN MUSEUM OF TABRIZ. *Negāreh Magazine*, (15), 57-71.
- Floor, Willem M (2016). Wall paintings and other figurative mural art in Qajar Iran. Translated by Alireza Baharloo. Tehran: Peīkareh.
- Floor, Willem M, Chelkowski, Peter and Ekhtiar, Maryam (2002). Art and artists in Qajar Persia. Translated by Yaqoob Ajhand. Tehran: ĩl Šāhsavan Baghdadi Publications.
- Ghoreishi, Mahdi (1962). Get to know the enamel workshops of the country's fine arts. *Art and People Magazine*, 1 (3), Tehran.
- Hatam, Jamshid (2008). A Look at Qajar Painting. *Naghsh-e-Mayeh*, 1 (2), 36-29.
- Jalali Jafari, Behnam (2003). Qajar Painting (Aesthetic Criticism). Tehran: Kavūš Qalam.
- Karimian, Naimeh (1996). Enamelwork in Ahvaz. *Journal of Cultural Heritage*, (16), 74-77.
- Karimzadeh Tabrizi, Mohammad Ali (1989). The Lives and Works of Ancient Iranian Painters and Some Famous Indian and Ottoman Painters. London: Mostūfī.
- Kazama, Aki U (2001). Kazama's Travelogue. Translated by Hashem Rajabzadeh and Vahid Mazandarani. Tehran: 'Elmī va Farhangī.
- Khalili, Maryam (2004). Single Faces of Fathali Shah with Emphasis on the Works of Mehrali Naghash Bashi Fathali Shah. *Visual Arts Studies*, (21), 42-49.
- Khalili, Naser (2004). Western Orientation. 6 vols. Tehran: Kārang.
- Kiani, Mostafa (2007). Architecture of the First Pahlavi Period. Tehran: Institute for Contemporary History Studies of Iran.
- Margulies, Ervin (2008). A survey of Persian art. 2 vols., chapter 35. Translated by Parviz Marzban. Tehran: Elmi Farhangi.
- Maskoob, Shahrokh (1999). On the History of Qajar Painting. *Irannameh*, (67), 405-422.
- Mirza`imehr, Ali Asghar, Hosseini, Mehdi (2017). An Assessment of the Value of "Image" in the Art of Fath-Ali Shah Qajar's Era, *Iranian scientific association of Visual Arts*, (4), 99-110.
- Misaghi, Maryam and Moradvand, Farnaz (2002). Sabean Enameling. *Mah Honar*, (53-54), 123-126.
- Pakbaz, Roiin (2008). Iranian Painting from Ancient Times to the Present. Tehran: Zarrin and Simin.
- Panjehbashi, Elahe (2002). Studying the Evolution of Painted Enamel Medallions with the Images of Kings and Princes during the Qajar Period (Fath Ali Shah until the End of Naser al-Din Shah's Era). *Negāreh*, 18 (67), 145-169.
- Rahimi, Tayebeh (2017). A Study of Vitreous Enamel and its Techniques in Iran during

- the Qajar Period. *Journal of Iranian Studies*, (5), 128-140.
- Robinson, Basil William (2005). *Art et societe dans le monde Tranien No*, translated by Yaghoub Ajhand. Tehran: Moli.
- Seyedakhlghi, Parisa (2009). *Small Encyclopedia of Iranian Handicrafts*. Tehran: Qaṣīdeh.
- Seyyed Sadr, Seyyed Abul Ghasem (2007). *Encyclopedia of Handicraft Arts and Related Words*. Tehran: Sīmāy Dāneš.
- Shirazi, Mirza Saleh (2009). *Collection of Travelogues of Mirza Saleh Shirazi*. Gholamreza Mirza Saleh. Tehran: Negāh Mo ‘āṣr.
- Soheili Esfahani, Behrouz and Saber Zeinab (2001). *The Rupture of ‘Iranian Handicrafts’ from ‘Fine Arts’ in Qajar’s Royal Discourse with an Emphasis on the Binary Opposition of ‘Fine Arts vs. Applied Arts’*. *Iranian Industrial Arts*, (2), 129-140.
- Sudavar, Abul Alaa (2001). *Courtly Art of Iran*. Translated by Nahid Mohammad Shamirani. Tehran: Karang Publishing House.
- Tahvildar Esfahani, Hossein Mohammad Ebrahim (1963). *Geography of Esfahan: Natural and Human Geography and Statistics of the City's Guilds*. Tehran: University of Tehran.
- Vernoit, Stephen (2004). *Collection of Islamic Art*. Translated by Payam Behtash. Tehran: Karang.
- Wulff, Hans E (2009). *The traditional crafts of persia*. Tehran: Islamic Revolution Publications and Education.
- Yavari, Hossein (2003). *Introduction to Traditional Arts*. Tehran: Sabaei Sahar. Yavari, Hossein (2009). *In Search of Meaning*. *Collection of Articles on Traditional Iranian Arts*. Tehran: Soūreh Mehr